

شماره ۶۹۶ ۲۰۱۰

شماره پیرایشه ۱۲۹۲۵

نامیدن تعلیق

برنامه‌ای پژوهشی برای جامعه‌شناسی

تاریخی انتقادی در ایران

گروه نویسندگان:

روح‌الله اسلامی، روح‌الدین دمشقیه، مزدک تمجیدی، ابراهیم توفیق

امیر خراسانی، حسام‌الدین صفاری، فیروزه فروردین، نوید وزوایی

و سیدمهدی یوسفی

زیر نظر:

ابراهیم توفیق

ویراستار محتوایی:

سیدمهدی یوسفی

تاریخ انتقادی ۱-

چاپ اول - ۱۳۹۸

عنوان و نام پدیدآور: نامیدن تعلیق: برنامه‌ای پژوهشی برای جامعه‌شناسی تاریخی انتقادی در ایران / گروه نویسندگان روح‌الله اسلامی... ۱ و دیگران / زیر نظر ابراهیم توفیق

مشخصات نشر: تهران: مانیا هنر، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۴۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۷۵-۳۴-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

پادداشت: گروه نویسندگان روح‌الله اسلامی، صالح اولاددمشقیه،

مزدک تمجیدی، امیر خراسانی، حسام صفاری، نوید وزوایی و سیدمهدی یوسفی.

موضوع: جامعه‌شناسی تاریخی -- ایران -- تحقیق

موضوع: Historical sociology -- United States -- Research

موضوع: ایران -- تاریخ‌نویسی

موضوع: Iran -- Historiography

موضوع: ایران -- تاریخ

موضوع: Iran -- History

شناسه افزوده: توفیق، ابراهیم، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده: اسلامی، روح‌الله، ۱۳۶۴ -

ده بندی کنگره: HM۴۸۷/ن۲ ۱۳۹۷

ردیف دیویی: ۳۰۱/۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۴۶۱۲۴

نام سابق

برنامه‌ای پژوهشی برای جامعه‌شناسی تاریخی انتقادی در ایران

گروه نویسندگان: روح‌الله اسلامی، صالح اولاددمشقیه، مزدک تمجیدی،

ابراهیم توفیق، امیر خراسانی، حسام‌الدین صفاری، فیروزه فروردین،

نوید وزوایی و سیدمهدی یوسفی

زیر نظر: ابراهیم توفیق

طراح جلد: فاطمه پاشا

صفحه‌آرا: محمد قائمی

ناشر: مانیا هنر

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۷۰۰۰ تومان

نشانی دفتر انتشارات:

تهران، خیابان سهروردی جنوبی، نبش حسام‌زاده حجازی، پلاک ۱۵

طبقه سوم، واحد ۱۵

تلفن: ۷۷۵۲۶۵۹۱ همراه: ۰۹۳۵۷۲۱۴۴۱۴

Email: Honarmania@gmail.com

Telegram: t.me/maniahonar

Instagram: instagram.com/maniahonarpub

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۷	درباره‌ی مجموعه‌ی «تاریخ انتقادی»
۱۱	مقدمه
۳۳	فصل اول: محل نزاع و مرزهای کاوش
۳۵	تقریر محل نزاع
۵۴	پیش‌گویی در مرزهای دانش
۵۹	پیش‌های مرزی نقادان جامعه‌شناسی تاریخی
۵۹	مسئله‌ی امتداد
۸۰	مرزهای نسبی: مسأله‌ی عقب‌ماندگی و پیش‌رفت
۱۰۵	تاریخ‌نگاری‌های مرزها
۱۳۱	به سوی مفهومی‌کردن مرزها
۱۳۵	فصل دوم: امکانات مفهومی - تاریخ نظری حال
۱۳۷	مقدمه
۱۴۱	شرق‌شناسی ایرانی و مطالعات پساستعماری
۱۴۶	رویکردهای مطالعات پساستعماری به فردی لحظه‌ی حال
۱۵۸	بازخوانی پروژه‌ی شرق‌شناسی
۱۶۴	پیوند گذشته‌ی شرق‌شناسانه و آینده‌ی جامعه‌شناختی
۱۶۴	بازی متقابل جامعه‌شناسی و شرق‌شناسی در چه زمینی مدون می‌شود؟
۱۶۶	چگونه می‌توان دولت-ملت را به شیوه‌ای غیرذات‌گرایانه بازخوانی کرد؟
۱۷۱	چگونه جامعه‌شناسی و شرق‌شناسی در تعلیق لحظه‌ی حال همکاری می‌کنند؟
۱۸۱	

۱۹۳	گذشته و تفرد در اندیشه‌ی جامعه‌شناختی
۱۹۸	تنش درونی آثار وبر
۲۱۲	جامعه‌شناسی و طرح فردیت تاریخی
۲۱۸	چرخش متافیزیکی و درک زمان تاریخی
۲۲۲	جامعه‌شناسی و خوانش نیچه
	بازخوانی نیچه در پی چرخش متافیزیکی: تبارشناسی و نقد
۲۳۰	«تاریخ نام»
۲۴۰	چرخش زمانی-فضایی و مفهوم گسست
	تکرار ابدی منشاء؟ به سوی تاریخ‌نگاری غیرشرق‌شناسانه‌ی
۲۴۷	و سبب تاریخی
۲۵۵	فصل سوم: فضای سخن محیط کار تاریخ‌نگاری
۲۵۷	فضای سخن تاریخی
۲۶۸	ردیابی تاریخی فرد تاریخی و عملکردهای تنظیمی
۲۸۴	کلیشه‌پردازی و موضع‌گیری‌های سخن
۲۹۶	جغرافیای بایگانی و رژیم اجتماعی سخن
۳۰۸	استراتژی حرکت انتقادی
۳۱۳	مؤخره و پایان سخن
۳۲۲	فهرست منابع
۳۲۳	نمایه

مقدمه

نوشته‌ی حاضر حاوی یک تأمل جمعی پنج ساله است^۱ حول این پرسش که «چگونه می‌توان تاریخ ایران را غیر شرق‌شناسانه نوشت؟» کنون این متن به صورت یک «برنامه‌ی تحقیق» در معرض داوری گذاشته می‌شود. این برنامه‌ی تحقیق، نه یک تحقیق تجربی کامل است و نه طریقی برای انجام یک تحقیق خاص. بلکه بیانی است از مسائل مختلف اما در عین حال مشابه یا هم‌سو که اعضای این گروه در تحقیقات فردی و جمعی با آن روبه‌رو شده‌اند، آن‌ها را به گفت‌وگو گذاشته‌اند و تلاش کرده‌اند به نام‌گذاری‌هایی ابتدایی برای مسائل پیش روی خود و استراتژی‌هایی کلی برای رفع این موانع دست یابند. تصور می‌کنیم که حاصل این گفت‌وگوی جمعی می‌تواند برای بعضی محققین و به‌ویژه برای خود ما راه‌گشا باشد، یا

۱. تدوین نهایی این متن و ویرایش و انتشار آن خود زمانی برده است؛ جلسات تدوین متن از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ برگزار شده است که در آن‌ها جز گروه مؤلفین، دوستان دیگری نیز کم و زیاد شرکت داشته‌اند که پیش رفتن این بحث مدبران و مرهون آن‌ها است: شیرین احمدنیا، منصوره بلخاری فهمی، علیرضا جوادى، نفیسه حمیدی، مهدی غاملی، مهدی فرجی، یاسر محمدخانی، محبوبه مقدم و حسین نمکین.

نام‌هایی اولیه پیشنهاد کند که بتوانند در تحقیقات بعدی دقیق‌تر و منسجم‌تر شوند.

موضوع و مسأله‌ی این برنامه‌ی تحقیق، نام‌گذاری آغازین فرایندها و عناصر آن چیزی است که ما آگاهانه «نظام تولید دانش اجتماعی-تاریخی» می‌نامیم؛^۱ و سپس ترسیم یک نقشه از آن در لحظه‌ی حال، و یافتن و نامیدن حدود و ثغور دانش ممکن در آن؛ البته این نظام در دریافت، توضیح و تبیین واقعیت کنونی، ممکن می‌کند؛ و آنچه که از این رهگذر ناممکن می‌سازد، مسأله، نامیدن بان‌ها، رویه‌ها و سازوکارهایی است که هم گونه‌ی نام‌گذاری صورت‌بندی مفهومی واقعیت پیش‌رو را در این نظام‌گیرنده می‌کنند و هم تداوم و بازتولید نظام دانش را امکان‌پذیر می‌سازد. هدف دوردست ما سازماندهی نقد درون‌ماندگار نظام دانش از طریق تعمیق در زمانی، و لایه‌برداری تبارشناسانه و تعمیق نقشه‌نگاری سطحی است که در این جا ارائه می‌دهیم. از این رو این برنامه‌ی تحقیق، تبارشناسی نظام دانش و اجزاء آن نیست، بلکه ترسیم یک نقشه‌ی راه ممکن، و از منظر ما ضروری، در این مسیر است. این نام‌گذاری آغازین، زبان‌مند کردن چشم‌اندازی است که در تجربه‌ی ما به عنوان کنش‌گران میدان علوم اجتماعی ایران شکل گرفته است، و گرچه از این تجربه‌ی خاص و موردی جدایی‌پذیر نیست، اما در هیأت این «برنامه‌ی تحقیق» صورت‌بندی کلی‌تر و عام‌تری یافته، تا حدی که به قول وبر، حتا یک «چینی» هم بتواند آن را

۱. منظور تنها آکادمی علوم اجتماعی و تاریخ نیست. مراد ما مجموعه‌ی نظم‌هایی است که دانش را دایره‌ای تاریخ و زمان‌مندی و رابطه‌ی آن با جامعه، فرهنگ و دولت تولید می‌کنند.

بفهمد (ویر، ۱۳۸۲: ۹۸)؛ یا به عبارت دیگر، برای هر آن کس که از ارزش‌هایی جز ارزش‌های ما با این نظام مواجه می‌شود نیز، قابل فهم باشد.

ممکن است در نگاه اول نسبت میان پرسش از شرایط امکان نگارش غیرشرق‌شناسانه‌ی تاریخ ایران و نقشه‌نگاری نظام تولید دانش اجتماعی-تاریخی ناروشن به نظر آید. گرچه این دو مسأله این‌همان نیستند، اما نسبتی ناگسستنی میان آن‌ها برقرار است. بررسی انتقادی و ایجابی نظام دانش، شرط امکان نگارش انتقادی و ایجابی تاریخ ایران است. منظور از «شرط امکان»، برقراری رابطه، عدم تأخر میان این دو نیست. اما عناصر و گزاره‌های آن به صورت تقابل به هم مشروط هستند. به علاوه، نسبت برقرار کردن میان این دو ضرورتاً به این معنا نیست که بگوییم نظام تولید دانش اجتماعی-تاریخی موجود، فاقد امکان فهم غیرشرق‌شناسانه‌ی تاریخ ایران است. برعکس، حتا مسأله‌ی امکان نگارش تاریخی ایجابی نیز باید در دل همین نظام معنا دار شود.

این متن، صورت «نهایی» تأملی گفت‌وگو بر سر این مسأله است، که در آن مفاهیم و نام‌گذاری‌هایی که جایگاه آن از آغاز برای طرفین گفت‌وگو روشن و بدیهی نبوده‌اند به تدریج به زبانی برای بیان تجربیات مشترک و هم‌سو بدل شده است. پرسش از تاریخ ایران، حتا تلاش برای نگارش غیرشرق‌شناسانه‌ی آن، حامل ظرفیت‌های متفاوتی است که می‌تواند به صورت‌بندی‌ها و پاسخ‌های گوناگون و حتا

متعارض بیانجامد. صورت‌بندی آن به صورت یک برنامه‌ی تحقیق با مسأله/موضوع بررسی نظام تولید دانش، برای پرسش‌های آغازین ما ضروری نیست؛ بلکه حاصل تصمیم‌هایی است که در مسیر مواجهه با پرسش‌های تاریخی گرفته شده‌اند و تولید چشم‌اندازی را برای ما امکان‌پذیر ساخته‌اند که از پیش موجود نبوده است. این صورت‌بندی اگرچه سرآغازهای قابل تشخیص در پرسش دارد، در فرآیند شدن است. حتا آن‌جا که به تجربه‌ی خاص ما بیانی کل‌گرایانه می‌بخشد، ذیل مقوله‌ی تاریخت به معنای دقیق و رادیکال کلمه قرار دارد. همان‌طور که ممکن بود به نمونه‌ی دیگری صورت‌بندی شود، آینده‌اش نیز گشوده است. از این رو، من‌آمی که نزدیک به دو سال پیش خود را در موقعیت نگارش این برنامه‌ی تحقیق احساس کردیم، عنوان «هستی‌شناسی خودمان» را برای چشم‌انداز این متن مناسب تشخیص دادیم؛ عنوانی که شاید بهترین وجه، شکل‌گیری چشم‌انداز ما را بازگو می‌کند: فرآیند مواجهه و تعیین نسبت ارزیابانه با امکاناتی که برای صورت‌بندی انتقادی و ایجابی پرسش‌های آغازین مان در اختیار داشته‌ایم.

به این ترتیب مراد از «هستی‌شناسی خودمان» تا‌که بر چند ملاحظه‌ی آغازین است که تمامی این متن در نسبت با آن‌ها شکل گرفته است، و در ادامه‌ی این مقدمه بیش‌تر آن‌ها را توضیح خواهیم داد. اول این‌که ما موضعی معرفت‌شناسانه یا روش‌شناسانه نداریم. تلاش ما این نیست که الگویی

بی نقص برای هدایت تحقیقات تجربی ارائه دهیم. دوم این که موضوع کار ما «معرفت» یا «شناخت» ذهنی (در تقابل با عینی) نیست، چرا که اساساً معرفت ذهنی را کلیتی یک پارچه و مستقل نمی دانیم که بتوان آن را به موضوع کار بدل کرد و نظم یافتگی های آن را در درون عملکردهای صرفاً ذهنی توضیح داد. ما نظام دانش را واقعیتهای اجتماعی-تاریخی می دانیم. یعنی که در سطوح متفاوت ذهنی و عینی (اگر بتوان چنین تمایزی را مشروع دانست) عمل می کند و دانشی معین را تولید می کند. در روزگار ما این نظم است که چیزهایی به موضوع شناخت بدل می شوند، جاگاه های برای شناخت تعریف می شوند و سازوکارهایی برای سر و دست بخشیدن به این شناخت تعبیه می شوند. سوم این که ما از طریق نسبتی هستی شناختی که با این وضعیت برقرار می کنیم، می توانیم رصع خود را بازشناسیم، و بر روابط خاص و محدودی که در درون این نظام با آنها مواجه شده ایم نورافشانی کنیم. این به لحاظ صور گوناگونی دارند، گاهی به واسطه ای امکانی که برای بیان تجربه به ما داده اند بر ما آشکار شده اند و گاه به واسطه ای محدودیت هایی که برای بیان این تجربه ایجاد کرده اند. و در نهایت، ملاحظه ای چهارم این که این نظام از آن جا که واقعیتهای تاریخی-اجتماعی است، ویژه ای وضعیت خود ما است؛ وضعیتی که مواجهه ای ویژه با تاریخ را ممکن می سازد، یا شکلی ویژه به این مواجهه می دهد.

۱. این نظم یافتگی ها را صورت بندی گفتمانی می خوانیم. گفتمان در این جا صرفاً به معنای گفته ها یا اندیشه ها نیست، بلکه نظامی درهم تنیده از فرایندها است که کنش معطوف به دانش (اعم از کنش گفتاری یا غیر گفتاری) را سازمان می دهد.